

ستنبت

فرهنگ  
جمع‌های ملکسر

بهروز صفرزاده

# فرهنگ جمیع‌های مکتّب

بهروز صفرزاده

تاج  
نمایش

۱۳۹۸ تهران

## فرهنگ‌ها ۶

### کتاب بهار ۳۶

سرشناسه:	صرفزاده، بهروز، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور:	فرهنگ جمع‌های مکسر / بهروز صرفزاده.
مشخصات نشر:	تهران: کتاب بهار، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری:	پانزده، ۳۵۶ ص: جدول.
فروست:	کتاب بهار، ۳۶؛
شابک:	فرهنگ‌ها، ۶
وضعیت فهرست‌نویسی:	۹۷۸_۶۲۲_۷۰۶۷_۰۲_۶
پیاپی:	ص.ع. به انگلیسی: Behruz Safarzadeh. A dictionary of arabic broken plurals.
یادداشت:	زبان عربی -- صرف و نحو -- واژه‌نامه‌ها
موضوع:	Arabic language -- Morphosyntax -- Dictionaries
موضوع:	PJ6141
رده‌بندی کنگره:	۴۹۲/۷۵
رده‌بندی دیوبی:	۵۹۳۶۲۸۵
شماره کتاب‌شناسی ملی:	شماره کتاب‌شناسی ملی:

# کتاب بهار

تهران: خیابان بهار، کوچه حمید صدیق، شماره ۲۵، واحد ۶ (تلفن: ۰۷۷ ۵۲ ۴۷ ۸۱)

## فرهنگ جمع‌های مکسر

بهروز صرفزاده

چاپ اول: ۱۳۹۸

شمارگان: ۳۰۰

صفحه‌آرایی: دریچه کتاب

طراحی جلد: پاشا دارابی

چاپ و صحافی: پردیس دانش

همه حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ و مخصوص کتاب بهار است

کتاب بهار (ketabebaharpub94@gmail.com, @Ketabe\_Bahar, 0912 122 6008)

مرکز پخش: بیام امروز (۶۶ ۹۷ ۸۵ ۸۲)، صدای معاصر (۶۶ ۹۷ ۸۵ ۳۵)

## فهرست

پیش‌گفتار	.....
مقدمه	.....
نه	.....
راهنمای استفاده از فرهنگ	.....
سیزده	.....
 فرهنگ جمع‌های مکسر	
پیوست‌ها	.....
۱	.....
پیوست ۱: فهرست بسامدی الگوهای وزن‌واژه‌های جمع-مفرد‌ها	۲۵۵
پیوست ۲: فهرست الفبایی - بسامدی الگوهای وزن‌واژه‌های مفرد- جمع‌ها	۲۷۳
پیوست ۳: فهرست الفبایی - بسامدی وزن‌واژه‌ها (بدون تفکیک)	۲۹۰
پیوست ۴: فهرست الفبایی - بسامدی وزن‌واژه‌ها (به تفکیک)	۲۹۵
پیوست ۵: فهرست بسامدی وزن‌واژه‌ها (بدون تفکیک)	۳۰۴
پیوست ۶: فهرست بسامدی وزن‌واژه‌ها (به تفکیک)	۳۰۹
پیوست ۷: واژه‌های دارای بیشترین تعداد جمع مکسر	۳۱۷
پیوست ۸: چند جمع مکسر استثنایی	۳۱۸
پیوست ۹: فهرست جمع‌های مکسر در فارسی امروز	۳۱۹



## پیش‌گفتار

در فرهنگِ حاضر، جمع‌های مکسرِ رایج در عربی به صورتِ دسته‌بندی شده براساسِ وزن و با توجه به مفرد آن‌ها آمده است. هدف از تألیف فرهنگِ جمع‌های مکسر دادن اطلاعات و آمار و ارقامی درباره جمع‌های مکسر بوده که فرهنگ‌های عمومی عربی آن‌ها را به صورت یک‌جا و مدون به دست نمی‌دهند. تألیف حاضر صرفاً در چهارچوب علم صرف و بدون درنظر گرفتن معانی واژه‌هاست. برای اطلاع از معانی واژه‌ها باید به فرهنگ‌های عمومی عربی رجوع کرد.

مواد این فرهنگ از دو فرهنگ زیر استخراج شده است:

- ◊ آذرنوش، آذرتاش. فرهنگ معاصر عربی-فارسی (براساس فرهنگ عربی-انگلیسی هانس ویر). تهران: نشر نی. چاپ اول. ۱۳۷۹ ش.
- ◊ مسعود، جبران. الرائد. بیروت: دارالعلم للملايين. الطبعة السادسة. ۱۹۹۰ م. [تاریخ مقدمه: ۱۹۶۴ م.]. ۲ جلد. ۱۶۳۷ صفحه.

فواید فرهنگِ جمع‌های مکسر یکی از فوایدی که از فرهنگِ حاضر به دست می‌آید، پی بردن به پاره‌ای از کمدقتی‌ها و اشتباهات فرهنگ‌نویسان و دانش‌مندان زبان عربی درمورد میزان ندرت یا بی‌نظیر بودن برخی از جمع‌های مکسر است. مثلاً در فرهنگِ اقرب‌الموارد، ذیل ماده «خُبُث»، در توضیح واژه «خَبِيث» چنین آمده است: «الْخَبِيثُ: النَّجِسُ... ج: خُبُث، خُبَثاء، أَخْبَاث، خَبَثة، مِثْلٌ ضَعِيفٌ وَ ضَعْفَةٌ. وَ لَا يَكَادُ يُوجَدُ لَهُمَا ثالِثٌ». یعنی جمع بستن «فعیل» به «فعَلَة» فقط دو مثال دارد (خَبَثة- خَبِيث؛ ضَعِيفَة > ضَعِيف) و مثال سُوْمی برای آن یافته نمی‌شود. نیز در همان فرهنگِ اقرب‌الموارد، ذیل ماده «سِرَو»، در توضیح واژه «سَرَاه» چنین آمده است:

## هشت □ فرهنگ جمع‌های مکسر

«السَّرَاةُ: ... إِسْمٌ جَمْعٌ مِنَ السَّرَّيِّ، وَ قَبْلُ جَمْعِ السَّرَّيِّ، وَ هُوَ نَادِرٌ، إِذ لَا يُجْمَعُ فَعِيلٌ عَلَى فَعْلَةٍ بِفَتْحِ الْفَاءِ، وَ لَا يُعَرَّفُ غَيْرُهُ»، یعنی جمع بستن «سری» به «سراة» بی‌نظری است. اما اگر به مدخل فعله > فعال در فرهنگ حاضر مراجعه کنیم، می‌بینیم که هفت جمع در آن جا آمده است:

سَرَاةٌ [سَرَّوَةٌ] > سَرِيٌّ [سَرِّيُو]	حَفَدَةٌ > حَفِيدٌ
ضَعَفَةٌ > ضَعِيفٌ	خَبَثَةٌ > خَبِيثٌ
يَتَمَّةٌ > يَتَيمٌ	رَكَكَةٌ > رَكِيكٌ
	زَمَنَةٌ > زَمِينٌ

هم چنین با مراجعه به فرهنگ حاضر مشخص می‌شود که بسیاری از جمع‌های مکسر در نوع خود بی‌نظریند، مثلًاً اوامر > أَمْرٌ و حَمَير > حِمَار. اما در فرهنگ اقرب الموارد اشاره‌ای به بی‌نظری بودن این جمع‌ها نشده است.

یکی دیگر از فواید فرهنگ حاضر به دست آمدن آمارِ فعال‌ترین و زایاترین وزن‌های جمع‌های مکسر است. (رجوع شود به «فهرستِ بسامدی الگوهای وزن‌واژه‌های جمع-مفرد‌ها» در بخش پیوست‌های فرهنگ).

از این آمار می‌توان بهره‌های گوناگونی جست و مثلًاً در آموزش زبانِ عربی، در مبحث جمع مکسر اولویت را به پرکاربردترین اوزانِ این‌گونه جمع‌ها داد و مثال‌ها را از میان آن‌ها انتخاب کرد. هم چنین با توجه به این‌که در دورانِ معاصر تلاش‌هایی درجهت قیاسی کردن بسیاری از قواعدِ صرفی عربی - از جمله قواعدِ جمع مکسر - صورت گرفته است، دردست داشتن این‌گونه آمار می‌تواند برای اتخاذِ چنین تصمیم‌هایی مفید باشد.

## سپاس‌گزاری

دوستِ مدقق و متاملِ نگارنده، آقای محسن ذاکر‌الحسینی، کتاب را پیش از چاپ دیدند و چند نکته مهم و اساسی را یادآور شدند. از ایشان به خاطر پیش‌نهادهای راه‌گشایشان بسیار سپاس‌گزارم.

بهروز صفرزاده

آبان ۱۳۹۸

## مقدّمه

### أنواع جمع در زبان عربی

جمع در زبان عربی بر سه قسم است:

۱. جمع مذکور سالم، که با افزودن «ون» (در حالت رفع) یا «ـین» (در حالت نصب و جز) به آخر واژه ساخته می شود: خطاط > خطاطون (خطاطین)، مُكتَشِف > مُكتَشِفون (مكتَشِفين)، مصری > مصریون (مصرین).
  ۲. جمع مؤتث سالم، که با افزودن «ـات» به آخر واژه ساخته می شود: إحتمال > إحتمالات، إضافة > إضافات، صابرَة > صابرات، كَلْمَة > كَلِمات.
  ۳. جمع مكسّر، که با دگرگونی ساختار واژه از طریق کم و زیاد شدن یا تغییر برخی از حروف یا حرکات آن ساخته می شود: شاعِر > شُعَراء، طَرِيق > طُرُق، فَصل > فُصُول، جَسَم > أَجْسَام، قَانُون > قَوَانِين، تصویر > تصاویر، جَزِيرَة > جَزَائِر، نُقطَة > نقطَات، مرَاحِل > مَرَاحِل، أَسَد > أُسَد.
- واژه «مكسّر» (به معنای شکسته) اسم مفعول از مصدر «تكسیر» به معنای شکستن است، و وجه تسمیه این نوع جمع آن است که ساختار واژه مفرد در هم شکسته می شود.

### وزن واژه‌ها

وزن واژه‌هایی را که ریشه سه‌حرفی (ثلاثی) دارند، با استفاده از سه حرف «فععل» و تعیین حرکات هریک از این سه حرف نشان می‌دهند. مثلاً واژه «ظَرْف» بروزن «فَعَل» است؛ یا واژه‌های «سَالِم»، «شَدِيد»، «حُكَمَاء»، و «مَشْغُول» به ترتیب بروزن «فَاعِل»، «فَعِيل»، «فُعَلَاء»، و «مَفْعُول» هستند.

لفظی را که با استفاده از آن وزن و اژه‌ای را نشان می‌دهند، در اصطلاح عربی «المیزان الصرفی» می‌نامند، که در فارسی می‌توانیم آن را «وزن‌واژه» (واژه نشان‌دهنده وزن) بنامیم. مثلاً «فُعول» و «زن‌واژه» (بُرُوز)، «حُصُول»، «عُلُوم»، و «مُتُون» است.

در کتاب‌های عربی، وزن و اژه‌هایی را که ریشه چهار حرفی (رباعی) یا پنج حرفی (خمسی) دارند، معمولاً با استفاده از چهار حرف «فعَلَل» (برای رباعی) و پنج حرف «فعَلَلَل» (برای خمسی) و تعیین حرکات هریک از این حروف نشان می‌دهند. مثلاً می‌گویند «هُدْهُد» بروزن «فَعْلُل» و «خَرَدَل» بروزن «فَعَلَلَل» است؛ یا «دِرَهَم»، «عَنْكَبُوت»، و «عَنْدَلِیب» به ترتیب بروزن «فَعَلَل»، «فَعَلَلَوت»، و «فَعَلَلَلِیل» هستند. اما این شیوه خالی از اشکال نیست:

اشکال نخست آن‌که در این شیوه واژه‌های رباعی غیر مضاعف (مانند ثعلب) از واژه‌های رباعی مضاعف (مانند بُلْبُل) تمایز نمی‌شوند.

اشکال دیگر آن‌که تعیین وزن برخی از واژه‌ها با استفاده از این شیوه امکان‌پذیر نیست. مثلاً اگر بخواهیم وزن دو واژه «طَلَسم» و «قَمَطَر» را تعیین کنیم، به ترتیب «فَعَلَل» و «فَعَلَلَل» می‌شود، که عملاً تلفظ آن‌ها امکان‌پذیر نیست.

بنابراین پیش‌نهاد نگارنده برای تعیین وزن این‌گونه واژه‌ها چنین است:

۱. برای واژه‌های رباعی غیر مضاعف از چهار حرف «فعَلَم» استفاده کنیم: ثعلب (فعَلَم)، دفاتر (فعَالَم)، حلقوم (فَعَلَوم)، طَلَسم (فعَلَم).

۲. برای واژه‌های رباعی مضاعف از چهار حرف «فعَفَع» استفاده کنیم: سِمِسِم (فعَفَع)، بُلْبُل (فَعَفَع)، سِلِسِلَة (فَعَفَعَة).

۳. برای واژه‌های خمسی از پنج حرف «فعَلَلَل» استفاده کنیم: سَفَرَجَل (فَعَلَلَل)، عَنَدَلِیب (فَعَلَلَلِیل).

در واژه‌های خمسی چنان‌چه حرف چهارم یا پنجم ریشه حذف شود، با استفاده از شیوه پیش‌نهادی نگارنده حرف محدود مشخص می‌شود. مثلاً جمع مکسر «عَنَدَلِیب» (فَعَلَلِیل)، «عَنَادِل» (فعَالَم) است، که از روی وزن‌واژه «فعَالَم» می‌توان فهمید که حرف پنجم ریشه آن، یعنی «ب»، حذف شده‌است.

شیوه پیش‌نهادی فوق در این فرهنگ به صورت آزمایشی به کار رفته است.

## ریشه واژه‌ها

در مورد ریشه برخی از واژه‌ها در فرهنگ‌های عربی اختلاف نظرهایی دیده می‌شود. مثلاً در فرهنگِ اقرب‌الموارد، «جَوْشَن» هم در ماده «جَشَن» آمده است و هم در ماده «جَوْشَن»؛ به عبارت دیگر حرف دُوم این واژه یعنی «و»، هم زائد بر حروفِ ریشه دانسته شده و هم جزو ریشه. بنابراین ریشه این واژه را به یک اعتبار باید ثُلاثی (سه‌حرفی) دانست و به اعتباری دیگر رُباعی (چهار‌حرفی)، که در صورت نخست وزن آن «فَوْعَل» و در صورت دُوم «فَعَلَم» است. هم‌چنین است «تمساح» در همان فرهنگ، که هم در ماده «مسح» آمده است و هم در ماده «تمسح». از آنجاکه نگارنده هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای برای ترجیح یکی از دو صورت مذکور بر دیگری نداشت، این‌گونه واژه‌ها را در هر دو جا آورد. از این‌رو مثلاً «ئماسیح» (جمعِ تمساح) هم «تفاعیل» محسوب شده است و هم «فعالیم».



## راهنمای استفاده از فرهنگ

- مدخل‌های فرهنگ در وهلة نخست براساس وزن واژه جمع مکسر، و در وهلة دوم براساس وزن واژه مفرد آن جمع تنظیم شده است. مثلاً اگر بخواهیم جمع‌های مکسری را که بروزن «أفعال» هستند و مفرد آن‌ها بروزن « فعل » است بیابیم، باید در حرف « أ » وزن واژه «أفعال» را در ردیف الفبایی خود نگاه کنیم.
- واژه‌ای که در سمت راست نشانه > آمده است جمع مکسر، و واژه‌ای که در سمت چپ آن آمده مفرد آن است: **فعلة** > فعل؛ یعنی **فعلة** جمع مکسر فعل است.
- صورت اصلی واژه‌هایی که دچار تغییرات صرفی - ادغام، اعلال، قلب، حذف، و... - شده‌اند، درون [ ] آورده شده است:
  - أجللة [أجللة] > **جليل**؛ یعنی «أجللة» در اصل «أجللة» بوده است.
  - آفاق [آفاق] > **افق**؛ یعنی «آفاق» در اصل «آفاق» بوده است.
  - دواير [دواير] > **دائرة** [دائرة]؛ یعنی «دواير» و «دائرة» در اصل «دواير» و «دائرة» بوده‌اند.
  - أمالی [أمالیو] > **إملاء** [إملاء]؛ یعنی «أمالی» و «إملاء» در اصل «أمالیو» و «إملاء» بوده‌اند.
- در مرور جمع‌الجمع‌ها چنین عمل شده است: **أقاویل** > **أقوال** (> **قول**)؛ یعنی «أقاویل» جمع «أقوال» است که خود جمع «قول» است. بنابراین «أقاویل» جمع‌الجمع «قول» است.

در دو مورد استثنایی نیز چنین عمل شده است:

أفعلة > **جِجَ فعل**: **أعِدَّة** > **جِجَ عَبْد**  
**مقاعِل** > **جِجَ فعل**: **مَعَايِد** > **جِجَ عَبْد**

## چهارده فرهنگ جمع‌های مکسر

### ترتیب الفبایی

ترتیب الفبایی در فرهنگ حاضر چنین است:

آ، ئ، ا، ب، ت، ث، ج، ح، خ، د، ذ، ر، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ع، غ، ف، ق، ک، ل، م، ن،

ۋ، و، ئ، ئ، ئ، ي

اولویت‌های ترتیب الفبایی نیز چنین است:

۱. حرکات (به ترتیب: فتحه، کسره، ضمه)

۲. ساكن پیش از متحرّک

۳. حرف مشدّد یک حرف محسوب شده و پس از غیرمشدّد آمده است: فَعَلٌ پس از فَعْلٌ.

۴. در مردم همزه، کرسی آن ملاک است. از این رو: أ = ا؛ و = و؛ ئ = ي؛ ئ = ئ = ي.

بنابراین مثلاً ترتیب الفبایی وزن‌واژه‌های سه‌حرفی ساخته شده با «فععل» چنین است:  
فععل، فَعَلٌ، فَعَلٌ

فَعَلٌ

### حرکت‌گذاری

برای اجتناب از هرگونه ابهام و شباهی، کلیه واژه‌های این فرهنگ حرکت‌گذاری شده‌اند.

در این کار از اصولی زیر پی روی شده است:

۱. نشانه سکون گذاشته نشده است: حُسْن (نه حُسْن)، أَفْوَاج (نه أَفْوَاج)، أَدْعَيَة (نه أَدْعَيَة)، شَرْيَان (نه شَرْيَان).

اما در برخی موارد که احتمال شباه بوده، این نشانه به کار رفته است: ذَلْو، چِرْزِي، چِرْزِي، نَهْيِي، طَبَيْيَة، قُرْيَة، أَدْوَيَة.

۲. از حرکت‌گذاری حرف ماقبل سه واکه «ا» (â)، «و» (û)، و «ي» (î) خودداری شده است، زیرا جز به یک صورت نمی‌توان آنها را خواند، و بنابراین نیازی به حرکت‌گذاری نیست. مثلاً در حرکت‌گذاری واژه‌هایی چون «زاویَة»، «شَهُور»، «مَجَارِي»، و «مَوَاعِيد» همین اندازه کفایت می‌کند، و نیازی نیست که آنها را به صورت «زاویَة» (زاویَة)، «شَهُور» (شَهُور)، «مَجَارِي» (مَجَارِي)، و «مَوَاعِيد» (مَوَاعِيد) حرکت‌گذاری کنیم.

# فرهنگِ جمع‌های مکسّر



١

### أفعال (بـ مفرد)

أباخس  
أخايف  
أخاضر  
أساجل  
أساهي [أساهو]  
أشاود  
أقارب  
أكارات  
أكاسيم  
أهاند  
أينبس

٢

### أفعال > إفاعلة

أيارج > إيارجة

٣

### أفعال > أفعال

أراهط > أرهاط (> رهط)  
أراهط > أرهاط (> رهط)  
أزاهير > أزهار (> زهر)  
أزاهير > أزهار (> زهر)  
أسافر > سفار (> سافر)  
أسافع > سمع (> سمع)  
أشاوي [أشاين] > أشياء

(> شيء)

أشايا [أشاين] > أشياء

(> شيء)

أشايخ > أشياخ (> شيخ)

أعادي [أعايدو] > أعداء

[أعداو] (> عدو [عدوو])

أعاصير > أعصار (> عصر)

أفواج > أفواج (> فوج)

أفایج [أفاوج] > أفواج

(> فوج)

أكاريس > أكراس (> كرس)

أنابير > أنبار

أناسيم > أنسام

أناصي > أنصاء [أنصاي]

(> نصي)

٤

### أفعال > إفعال

أباهم > إبهام

أساير > إستار

أساور > إسوار

أعاصير > إعصار

٥

### أفعال > أفعال

أساور > أسوار

٦

### أفعال > أفعال

أباجل > أبجل

أبارد > أبرد

أبارق > أبرق

أباطح > أبطح

أباعد > أبعد

أباغث > أبغث

أثاب > أثلب

أجادب > أجدب

أجارب > أجرب

أجاري > أجرع

أجانب > أجنب

أحابيش > أحبنش

أحسان > أحسن

أحامر > أحمر

أحامي > أحمس

أحاوص > أحوص

أخادع > أخدع

أخاير > آخرس

أخارم > آخرم

أَوَاعِس > أَوْعَس  
 أَوَالِي [أَوَائِل] > أَوْلُ [أَوَّل]  
 أَوَالِي > أَوْلَى [أَوَّلِي]  
 أَوَائِل > أَوْلُ [أَوَّل]  
 أَيَابِس > أَيَّس  
 أَيَاصِر > أَيْصَر  
 أَيَاطِيل > أَيْطَل  
 أَيَامِن > أَيْمَن

٧

### أَفْاعِل > أَفْعَل

أَصَابَع > أَصَبَع

٨

### أَفْاعِل > أَفْعَل \*

أَثَارِب > أَثْرَب (> ثَرَب)  
 أَحَاطِي > أَحْطَي [أَحْطَى]  
 (> جِطَنِي [جِطَّى])  
 أَرَاهِط > أَرْهَط (> رَهَط)  
 أَرَاهِط > أَرْهَط (> رَهَط)  
 أَصَابَع > أَصَبَع  
 أَعَابِد > أَعْبَد (> عَبَد)  
 أَكَالِب > أَكْلُب (> كَلَب)  
 أَمَاكِن > أَمْكَن (> مَكَان)  
 أَوَادِم > أَوْدَم (> وَدَم)  
 أَوَاطِب > أَوْطَب (> وَطَب)  
 أَيَادِي > أَيَّدِي [أَيَّدِي]

أَطَابِب > أَطَيْب  
 أَعَاجِم > أَعْجَم  
 أَعَاظِم > أَعْظَم  
 أَعْالِي [أَعَالِو] > أَعْلَى  
 [أَعَالِو]  
 أَعَاوِر > أَعْزَر  
 أَفَاضِل > أَفْضَل  
 أَفَاعِي > أَفْعَنِي [أَفْعَيِ]  
 أَقَارِب > أَقْرَب  
 أَفَازِل > أَفْزَل  
 أَفَاصِر > أَفْصَر  
 أَفَاصِي [أَفَاصِو] > أَفْصَنِي  
 [أَفَاصِو]  
 أَكَابِر > أَكْبَر  
 أَكَارِم > أَكْرَم  
 أَكَاوِل > أَكْوَل  
 أَلَائِن > أَلَيْن  
 أَمَائِل > أَمَلَّ  
 أَمَاحِد > أَمْجَد  
 أَمَارِد > أَمْرَز  
 أَمَاسِح > أَمْسَح  
 أَمَاعِز > أَمْعَز  
 أَنَاجِر > أَنْجَر  
 أَنَادِر > أَنَدَر  
 أَوَادِم [أَأَادِم] > آدَم [أَآدَم]  
 أَوَاسِط > أَوْسَط

أَخَامِص > أَخْمَص  
 أَخَابِر > أَخْبَر  
 أَخَابِل [أَخَابِل] > أَخْبَل  
 أَخَابِل > أَخْبَل  
 أَدَانِي [أَدَانِو] > أَدْنَى [أَدَنَو]  
 أَدَاهِم > أَدْهَم  
 أَرَادِل > أَرْدَل  
 أَرَاطِي > أَرْطَنِي [أَرْطَى]  
 أَرَاقِم > أَرْقَم  
 أَرَامِل > أَرْمَل  
 أَرَانِب > أَرْنَب  
 أَرَامِع > أَرْمَع  
 أَرَامِل > أَرْمَل  
 أَسَافِل > أَسْفَل  
 أَسَاقِع > أَسْقَع  
 أَسَاوِد > أَسْوَد  
 أَشَاجِع > أَشْجَع  
 أَشَاعِر > أَشْعَر  
 أَشَافِي > أَشْفَنِي [أَشْفَى]  
 أَشَاؤِس > أَشْشَوْس  
 أَشَائِم > أَشَاءِم  
 أَصَابَع > أَصَبَع  
 أَصَاغِر > أَصْغَر  
 أَصَالِف > أَصْلَف  
 أَطَالِس > أَطْلَس  
 أَطَاول > أَطْوَل

## فرهنگ جمع‌های مکسر □ ۳

[أَحْسُوَة] (> حُسْوَة)

أساود > أَسْوِدَة (> سَوَاد)

أشافي > أَشْفَيَة (> شَفَاء)

[شَفَاعِي]

أمَايَع > أَمْيَعَة (> مَنَاع)

آماكن > أَمْكَنَة (> مَكَان)

آنامل > أَنْمَلَة

أواعي > أَوْعَيَة (> وِعَاء)

[وِعَاعِي]

٢١

٢ **أفعال > أَفْتَلَة**

أحاسي [أَحَاسِو] > أَحْسَوَة

(> حُسْوَة)

آنامل > أَنْمَلَة

٢٢

٢ **أفعال > إِفْتَلَة**

أنافع > إِنْفَخَة

آنامل > إِنْمَلَة

٢٣

٣ **أفعال > إِفْتَلَة**

أغاني > إِنْجِنَى

أنافع > إِنْفَخَة

آنامل > إِنْمَلَة

٢٤

٤ **أفعال > إِفْتَلَة**

١٥ **أفعال > إِفْتَلَ**

أرذب > إِرْذَب

١٦

٢ **أفعال > أَفْتَلَ**

أساطيم > أَسْطَمَّ

أساقيف > أَسْقَفَ

١٧

١ **أفعال > أَفْتَلَاء**

أصادق > أَصْدِقَاء (> صَدِيق)

١٨

١ **أفعال > أَفْتَلَان**

أفاخي [أَفَاحِي] > أَفْحَوَان

١٩

٤ **أفعال > أَفْتَلَة**

أرميل > أَرْمَلَة

أرابب > أَرَبَّة

أزاميل > أَرْمَلَة

آنامل > أَنْمَلَة

٢٠

٩ **أفعال > أَفْتَلَة**

أباعر > أَبَعَرَة (> بَعِير)

أتايع > أَتَيْعَة (> تَبِيع)

أحاسي [أَحَاسِو] > أَحْسَيَة

(> يَد [يَدِي])  
أيائق [أَنَاوِق] > أَيْنَقَ [أَنْزَق]

(> نَاقَة [نَوْقَة])

٢ **أفعال > إِفْتَلَ**

أشابع > إِشَجَع

أصابع > إِصْبَع

١٠

٢ **أفعال > إِفْتَلَ**

آذانخر > إِذَنْخَر

أصابع > إِصْبَع

١١

١ **أفعال > إِفْتَلَ**

أصابع > إِصْبَع

١٢

١ **أفعال > أَفْتَلَ**

أصابع > إِصْبَع

١٣

١ **أفعال > أَفْتَلَ**

أصابع > إِصْبَع

١٤

٢ **أفعال > أَفْتَلَ**

أساقيف > أَسْقَفَ

أصابع > إِصْبَع

أَنَمِيل > إِنْمَلَة

۲۵

أَفَاعِل > أَفْعَلَةٌ

أَنَمِيل > أَنْمَلَةٌ

۲۶

أَفَاعِل > أَفْعَلَةٌ

أَغَانِي > أَغْنِيَةٌ

أَنَمِيل > أَنْمَلَةٌ

أَوَاقِي > أَوْقَيَةٌ

۲۷

أَفَاعِل > أَفْعَلَةٌ

أَنَمِيل > أَنْمَلَةٌ

۲۸

أَفَاعِل > إِفْعَلَةٌ

أَرَازِب > إِرَازَةٌ

أَنَافِع > إِنْفَعَةٌ

۲۹

أَفَاعِل > أَفْعَلَةٌ

أَساطِيم > أَسْطَمَةٌ

۳۰

أَفَاعِل > أَفْعَلَيَّةٌ

أَجَانِب > أَجْنَبَيَّةٌ

أَوَادِم [أَأَادِم] > آدَمَيَّة [أَادَمِيَّة]

[إِدْحِيُّ]

أَمَالِس > إِمْلِيس

۳۵

أَفَاعِل > فَعَالٌ

أَجَارِد > جَوَادٌ

أَماَكِن > مَكَانٌ

۳۶

أَفَاعِل > فَعَالٌ

أَسَاقِي > سِقَاءٌ [سِقَايَ]

أَسَابِر > سَوَارٌ

أَشَافِي > شِفَاءٌ [شِفَايَ]

أَوَاعِي > وِعَاءٌ [وِعَايَ]

۳۷

أَفَاعِل > فَعَالٌ

أَسَابِر > سَوَارٌ

أَكَارِع > كُرَاعٌ

۳۸

أَفَاعِل > فَعَالَامٌ

أَثَالِث > ثَلَاثَةٌ

۳۹

أَفَاعِل > فَعَالَامٌ

أَثَالِث > ثَلَاثَةٌ

۴۰

أَفَاعِل > فَعَلٌ

۳۱  
أَفَاعِل > أَفْعَولٌ

أَدَاحِي [أَدَاجِو] > أَدْحِيٌّ

[أَدْحُورُ]

أَكَاسِم > أَكْسُومٌ

أَمَاعِز > أَمْعُوزٌ

۳۲

۳۲  
أَفَاعِل > إِفْعَوْلَةٌ

أَغَانِي > إِغْنِيَةٌ [إِغْنَوْيَةٌ]

۳۳

۳۳  
أَفَاعِل > أَفْعَوْلَةٌ

أَثَافِي [أَثَافِو] > أَثْفَيَةٌ [أَثْفَوْرَةٌ]

أَحَاجِي [أَحَاجِو] > أَحْجَيَةٌ

[أَحْجَوْوَةٌ]

أَدَاحِي [أَدَاجِو] > أَدْحَوَةٌ

[أَدْحَوْوَةٌ]

أَدَاحِي [أَدَاجِو] > أَدْحَيَةٌ

[أَدْحَوْوَةٌ]

أَرَادِي > أَرْوَيَةٌ [أَرْوَوْيَةٌ]

أَغَانِي > أَغْنِيَةٌ [أَغْنَوْيَةٌ]

أَمَانِي > أَمْنِيَةٌ [أَمْنَوْيَةٌ]

۳۴

۳۴  
أَفَاعِل > إِعْمَلٌ

أَدَاحِي [أَدَاجِو] > إِدْحِيٌّ

<p>أَنَاصِي &gt; نَصْبٌ</p> <p>أَيَامِن &gt; يَمِينٌ</p> <p style="text-align: right;">٥١</p>	<p>أَظَافِر &gt; ظُفَرٌ</p> <p style="text-align: right;">٤٥</p>	<p>أَحَارِر &gt; حَرَّ</p> <p>أَرَامِط &gt; رَهَطٌ</p> <p>أَزَاهِر &gt; زَهْرٌ</p> <p>أَضَائِف [أَضَابِيف] &gt; ضَيْفٌ</p> <p>أَقَوَام &gt; قَوْمٌ</p> <p>أَقَائِيم [أَقَاوِيم] &gt; قَوْمٌ</p> <p>أَوَاطِب &gt; وَطَبٌ</p> <p>أَيَادِي &gt; يَدٌ [يَدِي]</p> <p style="text-align: right;">٤١</p>				
<p style="border: 1px solid black; padding: 2px;">٢</p> <p>أَفَاعِلَة (بِي مَفْرَد)</p> <p>أَبَاطِرَة</p> <p>أَسَاوِرَة</p> <p style="text-align: right;">٥٢</p>	<p style="border: 1px solid black; padding: 2px;">٢</p> <p>أَفَاعِلَة &gt; فَعَالٌ</p> <p>أَسَاكِفَة &gt; إِسْكَافٌ</p> <p>أَسَاوِرَة &gt; إِسْوَارٌ</p> <p style="text-align: right;">٥٣</p>	<p style="border: 1px solid black; padding: 2px;">٢</p> <p>أَفَاعِلَة &gt; فَعَالٌ</p> <p>أَشَاوِه &gt; شَاهٌ [شَوَّهَة]</p> <p style="text-align: right;">٥٤</p>	<p style="border: 1px solid black; padding: 2px;">١</p> <p>أَفَاعِلَة &gt; فَعَلَة</p> <p>أَكَاسِير &gt; كِسْرَى</p> <p style="text-align: right;">٥٥</p>	<p style="border: 1px solid black; padding: 2px;">١</p> <p>أَفَاعِلَة &gt; فَعَالٌ</p> <p>أَعَادِي [أَعَادِو] &gt; عَدَوٌ</p> <p>[عَدَوٌ]</p> <p style="text-align: right;">٥٦</p>	<p style="border: 1px solid black; padding: 2px;">١</p> <p>أَفَاعِلَة &gt; فَعَالٌ</p> <p>أَبَاعِر &gt; بَعِيرٌ</p> <p>أَرَاجِل &gt; رَجَلٌ</p> <p>أَقَاطِع &gt; قَطِيعٌ</p> <p>أَمازِر &gt; مَزِيرٌ</p> <p style="text-align: right;">٥٧</p>	<p style="border: 1px solid black; padding: 2px;">٢</p> <p>أَفَاعِلَة &gt; فَعَلٌ</p> <p>أَصَارِم &gt; صِرَمٌ</p> <p>أَظَافِر &gt; ظُفَرٌ</p> <p style="text-align: right;">٤٤</p>
<p style="border: 1px solid black; padding: 2px;">١</p> <p>أَفَاعِلَة &gt; فَعَالٌ</p> <p>أَسَاكِفَة &gt; إِسْكَافٌ</p> <p style="text-align: right;">٥٨</p>	<p style="border: 1px solid black; padding: 2px;">١</p> <p>أَفَاعِلَة &gt; فَعَالٌ</p> <p>أَحَامِرَة &gt; أَحْمَرٌ</p> <p>أَرَامِلَة &gt; أَرْمَلٌ</p> <p>أَصَاغِرَة &gt; أَصْغَرٌ</p> <p style="text-align: right;">٥٩</p>	<p style="border: 1px solid black; padding: 2px;">١</p> <p>أَفَاعِلَة &gt; فَعَالٌ</p> <p>أَسَاقِفَة &gt; أَسْقَفٌ</p> <p style="text-align: right;">٦٠</p>	<p style="border: 1px solid black; padding: 2px;">٦</p> <p>أَفَاعِلَة &gt; فَعِيلٌ</p> <p>أَبَاعِر &gt; بَعِيرٌ</p> <p>أَرَاجِل &gt; رَجَلٌ</p> <p>أَقَاطِع &gt; قَطِيعٌ</p> <p>أَمازِر &gt; مَزِيرٌ</p> <p style="text-align: right;">٦١</p>	<p style="border: 1px solid black; padding: 2px;">٢</p> <p>أَفَاعِلَة &gt; فَعَلٌ</p> <p>أَبَاجِر &gt; بَجَرٌ</p> <p style="text-align: right;">٤٣</p>	<p style="border: 1px solid black; padding: 2px;">٢</p> <p>أَفَاعِلَة &gt; فَعَلٌ</p> <p>أَسَاقِفَة &gt; أَسْقَفٌ</p> <p style="text-align: right;">٦٢</p>	

أَفَانِي أَفَاوِيق <b>أَفَاحِي [أَفَاحِي]</b> أَفَاسِيم أَكَادِيد أَلَاقِي أَمَالِيد أَنَادِيد أَنَاوِيفِص أَهَالِيل ٦٩	سُوار > أَسَاوِرَة ٦٥	<b>أَفَاعِلَة &gt; فَعْل</b> ١ أَتَاوِهَة [أَتَايِهَة] > تِيه ٦٦	<b>أَفَاعِلَة &gt; فَعْل</b> ١ أَثَاوِلَة > ثُول (> أَثَوْل) ٦٧	<b>أَفَاعِلَة &gt; فِعْلِي</b> ١ كَسَرِي > أَكَاسِرَة ٦٨	<b>أَفَاعِيل &gt; فَعِيل</b> ٢٣ بَيِّنَفِرَد (> بَيِّنَفِرَد) ٦٩	<b>أَفَاعِيل &gt; فَعِيل</b> ١ أَرَكُون > أَرَاكِنَة ٦١
أَبَازِير > أَبَرَار (> بِزَر) ٧٠	أَبَابِيت > أَبَيَات (> بَيْت)	أَبَادِيد أَخَادِيع أَخَاسِيف أَرَاجِيج أَرَاجِيف أَرَاجِيل أَرَاعِيل أَسَارِير أَطَامِيم أَطَانِيب أَعَاوِيز أَفَاعِيل أَفَاكِيل	أَبَادِيد أَخَادِيع أَخَاسِيف أَرَاجِيج أَرَاجِيف أَرَاجِيل أَرَاعِيل أَسَارِير أَطَامِيم أَطَانِيب أَعَاوِيز أَفَاعِيل أَفَاكِيل	أَبَلِيلَة > إِبِيلِيس ٦٢	<b>أَفَاعِلَة &gt; فَاعِل</b> ١ وَادِي > أَوَادِيَة ٦٣	
أَحَافِير > أَحَفَار (> حَفَر) أَحَافِير > أَحَفَار (> حَفَر) أَحَابِين > أَحَيَان (> حَيْن) أَخَابِير > أَخَبَار (> خَبَر) أَخَادِير > أَخَدَار (> خَدَر)	أَسَاوِرَة > سُوار ٦٤	<b>أَفَاعِلَة &gt; فَعَال</b> ١ سُوار > أَسَاوِرَة	<b>أَفَاعِلَة &gt; فَعَال</b> ١ سُوار > أَسَاوِرَة	<b>أَفَاعِلَة &gt; فَعَال</b> ١ سُوار > أَسَاوِرَة	<b>أَفَاعِلَة &gt; فَعَال</b> ١ سُوار > أَسَاوِرَة	

أَمْالِي [أَمَالِيُو] > إِمْلَاه [إِمَلاَو]

أَنَاظِيم > إِنْظَام

٧٢

### ١ أَفَاعِيل > أَفْعَال

أَسَاطِير > أَسْطَار

٧٣

### ٤ أَفَاعِيل > إِفْعَالَة

أَشَارِير > إِشَارَة

أَضَابِير > إِضْبَارَة

أَضَامِيم > إِضْمَامَة

أَطَانِيب > إِطْنَابَة

٧٤

### ١ أَفَاعِيل > أَفْعَالَة

أَرْغَيْط > أَرْغَاطَة

٧٥

### ١ أَفَاعِيل > أَفْعَالِي

أَعْارِب > أَعْرَابِي

٧٦

### ٢ أَفَاعِيل > أَفْعَلَ

أَجَاوِيد > أَجَوَدَ

أَزَامِيل > أَزَمَلَ

٧٧

### ٢ أَفَاعِيل > أَفْعَلَ

أَرَاهِيط > أَرْهَطَ ( > رَهْطَ )

أَفَاعِيل > أَفْعَال ( > فَعْلَ )

أَفَانِين > أَفَانَ ( > فَنَ )

أَفَانِين > أَفَانَ ( > فَنَ )

أَفَاوِيج > أَفَوَاجَ ( > فَوْجَ )

أَفَاوِيه > أَفَوَاهَ

أَقَادِيج > أَقْدَاحَ ( > قَدْحَ )

أَقَاسِيم > أَقْسَامَ ( > قِسْمَ )

أَقَاوِيل > أَقْوَالَ ( > قَوْلَ )

أَكَارِيس > أَكْرَاسَ ( > كِيرَسَ )

أَمَالِيس > أَمْلَاسَ ( > مَلَسَ )

أَنَابِير > أَنَابَارَ

أَنَاعِيم > أَنَاعَمَ ( > نَعْمَ )

أَنَاغِيم > أَنَغَامَ ( > نَعْمَ )

أَيَّاومِ > أَيَّامَ [أَيَّوْمَ] ( > يَوْمَ )

٧١

### ١١ أَفَاعِيل > إِفْعَال

أَبَازِيم > إِبَازَمَ

أَبَاهِيم > إِبَاهَمَ

أَحَاسِيس > إِحْسَاسَ

أَرَاجِيف > إِرْجَافَ

أَسَاتِير > إِسْتَارَ

أَسَاطِير > إِسْطَارَ

أَسَانِيد > إِسْنَادَ

أَعَاصِير > إِعْصَارَ

أَقَارِير > إِقْرَارَ

أَخَارِيج > أَخْرَاجَ ( > خَرَاجَ )

أَخَارِيج > أَخْرَاجَ ( > خَرَاجَ )

أَخَارِيج > أَخْرَاجَ ( > خَرَاجَ )

أَذَاهِيب > أَذَهَابَ ( > ذَهَبَ )

أَذَاهِيب > أَذَهَابَ ( > ذَهَبَةَ )

أَرَاوِيج > أَرْوَاحَ ( > رَيْحَ )

[ رَوْحَ ]

أَرَاهِيط > أَرْهَاطَ ( > رَهْطَ )

أَرَاهِيط > أَرْهَاطَ ( > رَهْطَ )

أَرَايِحَ [ أَرَاوِيجَ ] > أَرْيَاحَ

[ أَرْوَاحَ ] ( > رَيْحَ [ رَوْحَ ] )

أَرَاوِيج > أَرْوَاجَ ( > زَوْجَ )

أَزَاهِير > أَزَهَارَ ( > زَهْرَ )

أَزَاهِير > أَزَهَارَ ( > زَهْرَ )

أَسَارِير > أَسَرَارَ ( > سَرَرَ )

أَسَاطِير > أَسَطَارَ ( > سَطَرَ )

أَسَاطِير > أَسَطَارَ ( > سَطَرَ )

أَسَامِيع > أَسْمَاعَ ( > سَمَعَ )

أَشَابِيخ > أَشَيَّخَ ( > شَيْخَ )

أَصَاحِيب > أَصَحَابَ

( > صَاحِبَ )

أَظَافِير > أَظْفَارَ ( > ظَفَرَ )

أَظَافِير > أَظْفَارَ ( > ظَفَرَ )

أَظَافِير > أَظْفَارَ ( > ظَفَرَ )

أَغَالِيق > أَغْلَاقَ ( > غَلَقَ )

أَحَابِيل > أَحْبَوْتَه  
 أَحَاجِي [أَحَاجِيُو] > أَحْجَيَة  
 [أَحْجَوْتَه]  
 أَحَادِيث > أَحْدَوْتَه  
 أَرَاجِي [أَرَاجِيُو] > أَرْجَيَة  
 [أَرْجَوْتَه]  
 أَرَاجِع > أَرْجَوْتَه  
 أَرَاجِيز > أَرْجَوْتَه  
 أَرَاخِي [أَرَاخِيُو] > أَرْخَيَة  
 [أَرْخَوْتَه]  
 أَرَاصِص > أَرْصَوْتَه  
 أَرَاوِي > أَرْوَيَة [أَرْوَوِيَة]  
 أَرَاهِيق > أَرْهَوْتَه  
 أَسَابِيب > أَسْبُوْتَه  
 أَسَاجِع > أَسْجَوْتَه  
 أَسَاطِير > أَسْطُورَتَه  
 أَسَالِيف > أَسْلُوْتَه  
 أَشَاعِيل > أَشْغَوْتَه  
 أَصَابِع > أَصْبَوْتَه  
 أَضَاحِي [أَضَاحِيُو] > أَضْحَيَة  
 [أَضْحَوْتَه]

أَصَابِع > أَصْبَوْتَه أَصَامِيق > أَصْمَوْتَه أَظَافِير > أَظْفُورَتَه أَغَالِيج > أَغْلُوْتَه أَفَاحِص > أَفْحَوْتَه أَفَاطِير > أَفْطُورَتَه أَفَانِين > أَفْنُونَتَه أَفَاهِيد > أَفْهُورَتَه أَفَائِيد > أَفْوُودَتَه أَفَانِيم > أَفْنُومَتَه أَكَاسِيم > أَكْسُومَتَه أَمَادِيد > أَمْدُودَتَه أَمَاعِير > أَمْعُوزَتَه أَمَالِيج > أَمْلُوجَتَه أَمَالِيد > أَمْلُودَتَه أَنَابِيب > أَنْبُوبَتَه أَنَابِيش > أَنْبُوشَتَه أَهَالِيب > أَهْلُوبَتَه أَهَالِيل > أَهْلُولَتَه	أَرَاهِيط > أَرْهَطَتَه ( > رَهَطَ ) ۷۸ <b>أَفَاعِيل &gt; أَفْعَلَانَ</b> أَفَاحِي [أَفَاحِيُو] > أَفْحَوْانَ ۷۹ <b>أَفَاعِيل &gt; أَفْعَلَةَ</b> أَبَايِير > أَبْعَرَة ( > بَعِيرَ ) أَتَابِيع > أَتْبَعَة ( > تَبِيعَ ) أَمَاتِيع > أَمْتَعَة ( > مَتَاعَ ) ۸۰ <b>أَفَاعِيل &gt; أَفْعَوَةَ</b> أَسَاطِين > أَسْطُوْنَةَ ۸۱ <b>أَفَاعِيل &gt; أَفْعَوْلَةَ</b> أَحَابِيش > أَحْبُوشَتَه أَحَابِيل > أَحْبُولَتَه أَحَافِير > أَحْفُورَتَه أَخَادِيد > أَخْدُودَتَه أَخَاقِيق > أَخْقُوقَتَه أَزَابِي > أَزْبِي [أَزْبُويَ] > أَسَابِيع > أَسْبُوعَتَه أَسَارِيع > أَسْرُوعَتَه أَسَاطِيل > أَسْطُولَتَه أَسَالِipes > أَسْلُوبَتَه أَشَاغِيب > أَشْخُوبَتَه
أَبَاسِط > أَبْسُوطَة أَثَاثِي > أَثْبَيَة [أَثْبُويَة] أَثَاثِي [أَثَاثِيُو] > أَثْفَيَة [أَثْفُويَة] أَحَابِيش > أَحْبُوشَتَه	۶۳ <b>أَفَاعِيل &gt; أَفْعَوَلَةَ</b> أَسَابِيع > أَسْبُوعَتَه أَسَارِيع > أَسْرُوعَتَه أَسَاطِيل > أَسْطُولَتَه أَسَالِipes > أَسْلُوبَتَه أَشَاغِيب > أَشْخُوبَتَه

أَحَالِيل > إحليل	أَنَابِيب > أنبوبة	أَظَالِيف > أظلوفة
أَخَاقِيق > إحقيق	أَنَابِيش > أنبوشة	أَعَاتِيب > أعنوبة
أَحَالِيج > إخليج	أَنَاشِيد > أُنسُودَة	أَعَاجِب > أجهونية
أَزَامِيل > إزميل	أَنَاشِيط > أُنشُوَّطَة	أَعَالِيم > أعلمومة
أَزَامِيم > إزميم	أَنَاصِيب > أَنصُوبَة	أَغَارِيد > أغرودة
أَسَافِين > إسفين	أَنَاظِيم > أَنظَوْمَة	أَغَالِط > أغلوطة
أَشَابِين > إشببن	أَنَافِيس > أَنْفُوَضَة	أَغَانِي > أغنية [أغونية]
أَصَالِيت > إصليت	أَوَاقِي > أوقية [أُوقُونَة]	أَغَانِيع > أغونجة
أَصَارِيع > إضربيع	أَهَابِط > أَهْبُوتَة	أَغَاوِي > أغوية [أغونوية]
أَغَارِيز > إغريض	أَهَاجِي [أَهَاجِيُو] > أَهْجُوَة	أَفَاكِيه > أفوكوهة
أَفَاجِيج > إفجييج	[أَهْجُوَّة]	أَفَاسِيم > أقصومة
أَفَارِيز > إفريرز	أَهَاجِي [أَهَاجِيُو] > أَهْجِيَّة	أَفَاصِص > أقصوصة
أَفَانيك > إفينيك	[أَهْجِيَّة]	أَكَاذِيب > أكذوبة
أَقَالِيد > إقليد	أَهَازِيج > أَهْزُوجَة	أَكَارِيم > أكرومة
أَقَالِيم > إقليم	أَهَاضِيب > أَهْضُوبَة	أَلَاعِيب > العوبة
أَكَالِيد > إكليد	٨٣	أَلَاغِير > الغوزة
أَكَالِيل > إكليل		أَلَاقِي > ألقية [القوية]
أَمَالِيد > إمليد		أَمَائِيل > أمثلة
أَمَالِيس > إمليس	أَفَاشِين > أَفْشِين	أَمَاحِيس > أمحوضة
أَنَابِق > إنبيق	أَنَابِق > أَنْبِيق	أَمَادِيج > أمدوجة
أَنَاجِيل > إنجل	أَنَاجِيل > أَنْجِيل	أَمَارِيع > أمروعة
أَهَاجِيج > إهجييج		أَمَاسِي [أَمَاسِيُو] > أمسيّة [أمسوة]
		أَمَاصِيخ > أتصونحة
		أَمَالِيج > أملوحة
		أَمَانِي > أمئية [أمنونية]

### أَفَاعِيل > فاعيل

### أَفَاعِيل > إتعيل

أَبَارِيق > إبريق

أَبَازِيم > إبزيم

أَبَالِيس > إبليس

### أَفَاعِيل > فاعيل

### أَفَاعِيل > إتعيل

أَبَارِيق > إبريق

أَبَازِيم > إبزيم

أَبَالِيس > إبليس

۱۰ □ فرهنگ جمع‌های مکسر

أَفَاوِيه > فوه

۲

**أَفَاعِيل > فَعْل**

أَظَافِير > ظُفَر

أَمَاعِيق > مُعْقَ

۹۵

۱

**أَفَاعِيل > فَعْلَاء**

أَمَالِيس > مَلَسَ

۹۶

۱

**أَفَاعِيل > فَعْلَة**

أَرَاعِيل > رَعْلَة

۹۷

۲

**أَفَاعِيل > فَعْلَة**

أَحَابِيل [أَحَابِيل] > حَيَّة

[جَوَّلَة]

أَفَارِيق > فِيقَة [فُوقَة]

۹۸

۱

**أَفَاعِيل > فَعُول**

أَعْارِيف > عَرَوْض

۹۹

۶

**أَفَاعِيل > فَعِيل**

أَحَادِيث > حَدِيث

أَحَارِيم > حَرَمَ

أَرَاجِيل > رَجَيل

۹۰

**أَفَاعِيل > فَعْل**

أَبَاقِير > بَقَر

أَرَامِيط > رَهَط

أَسَامِيَّة [أَسَامِيَّو] > إِسْم

[سَمَوَ]

أَسَانِيد > سَنَد

أَنَابِيب > نَاب [نَيْب]

۹۱

**أَفَاعِيل > فَعْل**

أَنَاوِيه [أَنَائِيَّه] > تَيْه

أَحَابِين > حَيْن

أَخَادِير > خَدَر

أَصَارِيم > صَرَم

أَظَافِير > ظُفَر

أَفَاعِيل > فَعْل

أَقَادِيج > قَدْح

أَكَامِيم > كَمَم

۹۲

**أَفَاعِيل > فَعْل**

أَمَاضِيب > هِضَب (> هَضْبَة)

۹۳

**أَفَاعِيل > فَعْل**

أَظَافِير > ظُفَر

۸۶

**أَفَاعِيل > فَعَال**

أَجَاوِيد > جَوَاد

۸۷

**أَفَاعِيل > فَعَال**

أَحَاوِين > خَوَان

أَسَارِير > سِرَار

أَقَاطِيع > قِطَاع (> قَطْبِع)

أَنَاظِيم > نِظام

أَهَالِيل > هِلَال

۸۸

**أَفَاعِيل > فَعَال**

أَحَاوِين > خَوَان

۸۹

**أَفَاعِيل > فَعْل**

أَرَامِيط > رَهَط

أَزَاهِير > زَهَر

أَطَالِين > طَنَ

أَفَانِين > فَنَ

أَفَوَيْل > قَوْل

أَفَارِيم > قَوم

أَلَوِيج > لَوح

أَمَارِيت > مَرَات

أَنَاوِيس > نَوْض

۱

**أفعال > فاعل**

أهوان > هاؤن

۱۰۵

۲

**أفعال > فاعلة**

أحوال > شائنة [شاوِلة]

أنواع > نائحة [ناوِحة]

۱۰۶

۱

**أفعال > فاعليٰ**

أراضٍ > رفضي

۱۰۷

۱

**أفعال > فاعليةٰ**

أعمال > عامِليةٰ

۱۰۸

۳

**أفعال > فاعول**

أطواوس > طاؤوس [طاووس]

أطواوس > طاووس

أهوان > هاون

۱۰۹

۱۸

**أفعال > فَعَال**

أثراء [أثراي] > ثراء [ثراي]

أجنان > جنان

أجود > ججاد

أجياد [أجود] > ججاد

۱۱۰

أتاب > تاب [تَابَ]

أتبع > تابع

أجناء [أجناي] > جاني

أحراس > حارس

أحزام > حازم

أحفاد > حافظ

أخلاء [أخلاء] > خالي

[خاليٰ]

أسفار > سافر

أشهاد > شاهد

أصحاب > صاحب

أطراق > طارق

أطماء > طامع

أطهار > ظاهر

أطيار > طاير [طايرٰ]

أعطال > عاطل

أقباس > قابس

أقصاء [أقصار] > فاصي

[فاصوٰ]

ألواع > لاع [لاوع]

أمجاد > ماجد

أنصار > ناصر

أوداء [أوداي] > وادي

أوفاد > وافد

أيسار > ياسير

**أفعال > يَفعُول**

أساريع > يسرّوع [يَسْرُوع]

۱۰۱

**أفعال (بي مفرد)**

أداماس

أرجاز

أشيف

أوزاع

أوطاد

۱۰۲

**أفعال > أ فعل**

أجلح > أجلح

أروع > أروع

أعزال > أعزَل

أعماء [أعمای] > أعمى

[أعمى]

أغتمام > أغتم

ألواود > ألَوَد

۱۰۳

**أفعال > فاعلٰ**

أبرار > بار [بارِر]

آلف [آلاف] > آلف	أَصْفَاد > صِفَاد	أَحْسَاء [أَحْسَاء] > حَسَاء
آمس [آماس] > آمس	أَغْمَاء [أَغْمَاءِي] > غَمَاء	[حَسَاء]
آماق [آمناق] > مافق	[غَمَائِي]	أَخْرَاج > خَرَاج
آمال [آمالم] > أمل	أَفْنَاء [أَفْنَاءِو] > قَنَاء [قَنَاءِو]	أَرْجَاء [أَرْجَاءِو] > رَجَاء [رَجَاءِو]
آناه [آنای] > ئانى	أَفْنَاع > قِنَاع	أَسْوَاء [أَسْوَاءِي] > سَوَاء
آناء [آننای] > ئانى	أَفْوَاء [أَفْوَاءِي] > قَوَاء [قَوَاءِي]	[سَوَاءِي]
آناف [آنناف] > ئانف	١١١	أَشْتَات > شَتَات
آهال [آههال] > أهل	٢	أَعْرَاء [أَعْرَاءِي] > عَرَاء [عَرَاءِي]
أبُحاث > بحث	أَخْرَاج > خَرَاج	أَفْرَاء > فَرَاء
أبُحار > بحر	أَسْنَاط > سِنَاط	أَفْقَاء [أَفْقَاءِو] > قَنَاء [قَنَاءِو]
أبُداء > بدء	١١٢	أَقْنَاء [أَقْنَاءِو] > قَنَاء [قَنَاءِو]
أبُدار > بدر	١	أَقْوَاء [أَقْوَاءِي] > قَوَاء [قَوَاءِي]
أبُراح > برح	أَلْقَاط > لَقَاطَة	أَمْسَاء [أَمْسَاءِو] > مَسَاء
أبُرار > بز	١١٣	[مَسَاءِو]
أبُراض > برض	١	أَمْلَاك > مَلَكَات
أبُراق > برق	أَرْبَاع > زَيَاعِي	أَهْبَاء [أَهْبَاءِو] > هَبَاء [هَبَاءِو]
أبُمار > بمر	١١٤	أَهْوَاء [أَهْوَاءِي] > هَوَاء
أبعاض > بعض	٤٥٩	[هَوَاءِي]
أبغال > بغل	أَفْعَال > فَعَالِي	١١٠
أبقال > بقل	١٠	أَفْعَال > فِعَال
أبواه [أبواو] > بتو	آثار [أَثَارِ] > ثَار	آدَام [أَادَامِ] > إِدَام
أبواش > بوش	آجَار [أَجَارِ] > أَجْر	أَخْرَاج > خَرَاج
أبواص > بوص	آرَاء [أَرْنَاءِي] > رَأْي	أَسْنَاط > سِنَاط
أبوع > بوع	آرَاس [أَرْنَاسِ] > رَأْس	أَسِيَاج > سِيَاج
أبوال > بول	آرَاض [أَرْأَضِ] > أَرْض	أَشْرَاك > شِرَاك
أبهاء [أبهاؤ] > ب فهو	آصَار [أَاصَارِ] > أَصْر	
	آلاه [أَلاهِ] > الْوَ	